



تأملی درباره نسبت غرب و هنر

جایی که تانک‌ها ناتوانند

سرمقاله

دین نیز بطور جدی به لیست ممنوعه‌های دنیای هنر اضافه شد، البته دینی که دعوت‌کننده مردم و جوامع به تفکر و الهام بخش آنان برای مقاومت در برابر استعمار نباشد و الا آغوش ناتوی فرهنگی غرب به روی دین تزئینی و ویتربنی که از محدوده مسجد و کلیسا خارج نشود، همیشه باز بوده است.

درواقع «سپادریافته بود جایی که تانک‌ها ناتوان هستند، فرهنگ می‌تواند موفق باشد.» دیگر سلاح واقتصاد تنها ابزار سلطه نبود. هنر، ادبیات و زیبایی شناسی نیز به ابزار سلطه تبدیل شدند. با ظهور فناوری های جدید و ورود به عصر دیجیتال و دنیای شبکه ای، این روند پیچیده تر و عمیق تر شده است. چنددهه پیش اقشار خاصی از مردم دنیا مخاطب محصولات هنری و فرهنگی جبهه غرب بودند اما امروز تقریباً هیچ محدودیتی در این زمینه وجود ندارد و همه به شکل مستقیم مخاطب محسوب می‌شوند. دوره ای که برخی از آن به عنوان «استعمار دیجیتال» نیز یاد می‌کنند.

وضعیت امروز جهانی در این موضوع هر چند پیچیده‌تر و نبرد عمیق تر شده اما همین وضعیت حاوی فرصت های قابل توجهی نیز هست. لازم‌ه استفاده از این فرصت ها، اراده قوی، تفکر عمیق، حرکت مستمر و ایجاد شبکه های محلی، ملی، منطقه ای و جهانی برای ایستادگی در برابر ناتوی فرهنگی است. ■

معتبر جهانی، استقلال خود را از سیاست اعلام کردند و اعتقاد خود را به هنر برای هنر اعلام کردند. هنرمند یا روشنفکر آزاد، به عنوان کسی که از مشارکت سیاسی جداست، رواج یافت و تا به امروز هم فراگیر است.

برخی از بزرگ‌ترین نام‌ها در فلسفه، اخلاق سیاسی، جامعه‌شناسی و هنر، که از طریق کنفرانس‌ها و مجلات تحت حمایت مالی سیا به شهرت رسیده بودند، بر اساس پارامترهای سیاسی تعیین شده توسط سیا، هنجارها و استانداردهایی را برای ارتقای نسل جدید تعیین کردند. نه شایستگی و نه مهارت، بلکه سیاست - خط واشنگتن - «حقیقت» و «تعالی» و کرسی‌های آینده در محیط‌های دانشگاهی معتبر، بنیادها و موزه‌ها را تعریف می‌کرد. البته همیشه سعی می‌شد که کار تمیز و بدون به جا گذاشتن رد پا انجام شود. بنیادهای بزرگ و با دستور کار بین المللی وظیفه این بخش مهم ماجرا را بردوش داشتند.

آنان به تدریج، با صرف بودجه های کلان و روش های پیچیده موفق شدند این ایده را در میان هنرمندان سراسر جهان جا بیندازند که اگر می‌خواهند کار و اثرشان از ارزش بالا بی برخوردار باشد، نباید در آثار خود عبارات و صحنه ها و اثری از نقد جدی و مقابله با سیاست های آمریکا- بخصوص در عرصه سیاست خارجی- بر جای بگذارند. با پیروزی انقلاب اسلامی،

همان ابتدا سر رشته کار را به سازمان های اطلاعاتی و امنیتی خود همچون سیا سپرد. کار در دو سطح و لایه طراحی شد و پیش می‌رفت. سطح نخست آشکارتر بود؛ هنرمندانی که در کشورهای مختلف دنیا به صراحت و به شکلی عریان ارزش های غربی را ترویج کرده و علیه رقا و فرهنگ بومی خود- بخصوص اگر رگه هایی از مقاومت داشت- فعالیت می‌کردند، حمایت می‌شدند. آنان در واقع بلندگوی مستقیم و بی پروای سیاستهای آمریکا و غرب بودند و از پشتیبانی های مختلفی نیز برخوردار بودند؛ از دریافت پول گرفته تا حمایت های رسانه ای و سیاسی و غیره.

سطح دوم این نبرد فرهنگی کمی ظریف تر بود. برگزاری جشنواره های فرهنگی و هنری، گالری ها، آموزش ها، کنسرت ها، نشر و ترجمه، مسابقات، جوایز و رویدادهایی که ظاهری تهاجمی نداشتند و حرفی از سیاست نمی‌زدند اما فرهنگ آمریکایی را می‌ستودند و معیار ارزش گذاری و ارزیابی هنر و هنرمند معرفی می‌کردند. مسیری که به شکلی آرام و خزنده، هژمونی فرهنگی امپریالیسم را پیش می‌برد.

واقعیت آن است که سازمان سیا و سازمان های فرهنگی پوششی آن توانستند دیدگاه پس از جنگ جهانی دوم نسبت به هنر را عمیقاً شکل دهند. بسیاری از نویسندگان، شاعران، هنرمندان و موسیقی دانان

رهبر انقلاب در دیدار هفته گذشته با دست اندرکاران کنگره شهدای استان البرز بار دیگر بر لزوم انتقال هنرمندانه ارزش ها و آرمان های شهدا به نسل جوان تاکید کردند. یکی از چالش های قابل تامل برای استفاده از ابزار هنر برای چنین هدفی، مانعی ذهنی است که بررسی و دقت در آنها بسیار مهم و اثرگذار است. این مانع و چالش انتزاعی که البته مزمن و دیرپاست عبارت است از اینکه هنر نباید رنگ و بوی ایدئولوژی بدهد، «هنر برای هنر» است و لاغیر!

این شعار و ادعا اغلب و بیشتر از سوی جریان فکری و هنری وابسته به تفکر لیبرالیسم و اومانیزم که ریشه در تمدن و تفکر غرب دارد مطرح و ترویج می‌شود. حال سوال این است؛ آیا مروجان چنین تفکری خود نیز به آن معتقد و پایبند هستند یا این نسخه کذایی را فقط برای دیگران می‌پیچند؟

برای یافتن پاسخ این سوال مهم و اساسی باید به دوره پسا جنگ جهانی دوم بازگشت. آمریکا به عنوان ابرقدرت جدید جهان به سرعت دریافت که برای پیشبرد سیاست ها و اهداف خود در سطح بین المللی، تکیه صرف بر قدرت نظامی و اقتصادی کافی نیست و این اهرم ها و ابزارها اگر بازوی فرهنگی نداشته باشند، کارآمد نخواهند بود.

استکبار در این زمینه سریع و قاطع وارد عمل شد و از

پیام صوتی یک هموطن ایرانی خطاب به نیروهای مسلح ایران	جانمان، سید علی خامنه‌ای روحی فداه. با تکبیر حیدری باید سر دیو آمریکای جنایتکار و صهیون غاصب رازد. ما ملت ایران، پشت سر امام و مقتدایمان، در کنار عزیزان نیروهای مسلح، سپاه و ارتش و همه نیروهای نظامی و امنیتی هستیم.	به این خاک و پرچم و نیروهای مسلح و امنیتی غیور ایران سلام نظامی می‌دهیم. ایران ذوالفقار علی ﷺ است. سلام و درود بر هدایتگر اصلی این جنگ تحمیلی، حضرت حجت بن الحسن المهدی ﷺ، و نایب بر حقش، رهبر عزیزتر از	سازمان رئیس مرکز استخبارات
--	---	---	--

آخرین خبر

قدردانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری از موضع آیت‌الله العظمی سیستانی

حجت الاسلام والمسلمین محمدی گلیایگانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری در سخنرانی خود به مناسبت افتتاح صحن حضرت زهرا سلام الله علیها در حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف:

من در این مجلس باید تشکر کنم از بیانیه مرجع عالی قدر آیت‌الله العظمی سیستانی که در جنگ ۱۲ روزه وقتی که آمریکا رهبر معظم انقلاب اسلامی را مورد تهدید قرار داد، ایشان بیانیه‌ای دادند که دفترشان منتشر کردند؛ متن آن این است:

بسم الله الرحمن الرحیم. بار دیگر ادامه‌ی تجاوز نظامی به جمهوری اسلامی ایران و هرگونه تهدید سوء قصد به جان رهبری عالی دینی و سیاسی این کشور را من به شدت محکوم می‌کنم و قاطعانه هشدار می‌دهد که هر اقدام مجرمانه‌ای از این گونه، افزون بر زیر پا گذاشتن آشکار موازین دینی و اخلاقی، و نقض صریح عرف و قوانین بین المللی، پیامدهای بسیار وخیمی برای سراسر منطقه در بر خواهد داشت. این بیانیه‌ی آقای سیستانی است. من می‌خواستم عرض بکنم که ایشان این چنین موضع و نظری دارند.

قاب

کودک‌کشی ادامه دارد...

سعید اسعد عابدین، نوزاد یک ماهه در نوار غزه بر اثر سرما جان خود را از دست داد. تعداد قربانیان ناشی از سرمای شدید در غزه به ۱۳ نفر رسیده است

عکس: Anadolu



فرزندان ایران

خزان ارغوان

پشت میز کامپیوتر محمد مهدی می‌نشیند. عکس پسر را به آغوش می‌فشرد. پلک‌ها را روی هم می‌گذارد و او را درکت و شلوار دامادی تجسم می‌کند. از آرزوهایی که برای جوان بیست و شش ساله‌اش داشت، می‌گوید. به مادر گفته بود: «اگر دختری با ایمان و نجیب سراغ داشتی ازدواج می‌کنم؛ فقط به شرط آن‌که مراسم عروسی مان ساده و مذهبی باشد». هنوز عطر تن محمد مهدی در اتاقش پیچیده است. مادر بغض دلتنگی را فرو می‌دهد. از هنرمندی پدرش می‌گوید؛ از صدای دلنشین او و گروه سرودشان که «طلوع» نام داشت. با افتخار سرش را بالا می‌گیرد و از محبت محمد مهدی به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می‌گوید. از اینکه پسر مهندس‌اش هم برای مظلومیت حضرت زهرا می‌خواند و هم در تئاترهای آئینی و مذهبی، ایفای نقش می‌کرد. و آخرین حضورش روی صحنه‌ی نمایش، تقدیمی‌ای بود به حضرت زهرا، با نام: «خزان ارغوان». چهار ماهی می‌شد که محمد مهدی، رخت سربازی فراجا به تن داشت. با حمله‌ی دشمن صهیونی به خاک مقدس کشورمان، «محمد مهدی میرزایی» در روز یکشنبه، بیست و پنجم خرداد ماه ۱۴۰۴، حوالی میدان معلم تهران، لایق عنوان «شهید» شد. صدای مادر آرام است و مطمئن. او شهادت پسر جوانش را پاداش قدم‌های خالصانه‌ای می‌داند که برای حضرت مادر برمی‌داشت.  مهدیه پور اسمعیل